

عوامل موثر بر توسعه کانون‌های کسب و کار صنایع دستی در نواحی روستایی استان گیلان

چکیده

امروزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط هسته اصلی اقتصاد هر کشوری محسوب می‌شوند و نقش بسزایی جهت ایجاد اشتغالزایی و درآمدزایی افراد دارند. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی و عوامل موثر بر توسعه کانون‌های کسب و کار صنایع دستی می‌باشد. که بدین منظور موانع و چالش‌ها در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا با توجه به نظر خبرگان و کارشناسان متخصص موانع موجود بررسی گشت و پس از آن عوامل موثر شناسایی و به منظور بررسی اثرگذاری هر یک از عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم از روش تحلیل مسیر در نرم افزار SPSS ورژن ۲۶ استفاده شد. با توجه به شناسایی موانع و مشکلات پیش رو، نتایج تحقیق حاکی از آن است که توسعه کسب و کار، فرهنگ سازی، دسترسی، ارائه خدمات، دوری و نزدیکی به مراکز برتر، جذب سرمایه گذار، تسهیلات، ثبات اقتصادی، تشکیل صندوق اعتباری، پشتیبانی و حمایت سازمانهای ذی ربط، ارائه خدمات مشاوره و امکانات زیربنایی و روبنایی به عنوان مهم ترین عوامل تأثیر گذار در امر توسعه کسب و کارهای حوزه میراث فرهنگی محسوب می‌گردند.

واژگان کلیدی: کسب و کارهای کوچک، استان گیلان، عوامل تأثیرگذار، توسعه، میراث فرهنگی

Factors Affecting the Development of Handicraft Business Centers in Rural Areas of Gilan Province

Abstract

Small and medium-sized enterprises (SMEs), particularly those based on handicraft production, play a crucial role in promoting rural development, employment generation, and the preservation of cultural heritage. Despite their significance, handicraft business clusters in rural areas face numerous structural, financial, and institutional challenges that hinder their sustainable development.

The present study aims to identify and analyze the key factors influencing the development of handicraft business centers in rural areas of Gilan Province, Iran. This applied research adopts a mixed-methods approach, combining qualitative insights from expert interviews with quantitative data collected through questionnaires administered to 384 active handicraft producers and 40 domain specialists. Path analysis was employed using SPSS (version 26) to examine the direct and indirect effects of the identified factors.

The findings reveal that financial facilities and economic stability exert the strongest direct effects on the development of handicraft business centers, while factors such as cultural promotion, access to services, investor attraction, and institutional support contribute both directly and indirectly. The results highlight the central role of financial mechanisms and supportive economic conditions in strengthening rural handicraft enterprises.

Overall, the study underscores the necessity of targeted policy interventions, including improved access to credit, institutional support, and infrastructural development, to foster sustainable rural development through handicraft-based SMEs.

Keywords: Small and Medium-Sized Enterprises; Rural Development; Handicraft Industry; Business Clusters; Gilan Province.

مقدمه

محدودیت گزینه‌های توسعه اقتصادی یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی مناطق روستایی محسوب می‌شود (Nair and Whitelaw, 2008). در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، توسعه پایدار روستایی از طریق تقویت کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک امکان‌پذیر است و می‌تواند نقش مهمی در افزایش اشتغال، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و در نهایت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این مناطق ایفا نماید (Evans, Lasen et al., 2015; رضایی و نجفی، ۱۳۹۴). تجارب کشورهای موفق نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی روستاها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی، به‌ویژه در حوزه صنایع خلاق و دستی، یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود (Divandari et al., 2017). همچنین، مطالعات بانک

جهانی نشان داده است که بین فضای کسب و کار و سطح توسعه بنگاه‌ها ارتباط مستقیمی وجود دارد (Stenholm, Acs et al., 2013).

یکی از ظرفیت‌های مهم فرهنگی و اقتصادی در ایران، صنایع دستی است که ریشه در تاریخ و هویت مناطق مختلف کشور دارد. این صنایع که نمادی از هویت فرهنگی کشور محسوب می‌شوند، در معرض فراموشی قرار گرفته و نیازمند حمایت برای حفظ و توسعه هستند (Hosseinnia and Shoja, 2017). در این راستا، کسب و کارهای کوچک و متوسط (SME) به عنوان زیربنای اقتصاد ملی در بسیاری از کشورها شناخته می‌شوند و نقش کلیدی در اشتغال‌زایی، کاهش فقر، توسعه منطقه‌ای و افزایش مزیت رقابتی دارند (Hallböck and Gabriellson, 2013; Al Amri et al., 2014). این کسب و کارها علاوه بر ایجاد اشتغال برای اقشار کم‌درآمد، با افزایش بهره‌وری و توسعه زنجیره ارزش، بستری مناسب برای کارآفرینی فراهم می‌کنند (López-Ortega et al., 2016; قاسمی و جوان، ۱۳۹۳). در سطح جهانی، چرخه‌های کسب و کار فرصت‌های جدیدی را به وجود می‌آورند، اما استفاده از این فرصت‌ها بدون حمایت کافی ممکن است حتی برای شرکت‌های انعطاف‌پذیر نیز دشوار باشد (Vasilchenko and Morrish, 2011). توسعه صنایع خلاق باعث افزایش بهره‌وری منابع شده و با ساختارهای انگیزشی و تنظیمی، زمینه‌ساز نوآوری و کارآفرینی می‌شود. این صنایع به دلیل وابستگی کمتر به زیرساخت‌های صنعتی سنگین، قابلیت انطباق بالایی با سیاست‌های زیست‌محیطی دارند (نجفیان، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، کشورهای دارای فضای کسب و کار مطلوب، از نظر شاخص‌های توسعه‌ای نیز در وضعیت بهتری قرار دارند، زیرا رونق کسب و کارهای کوچک تأثیر مستقیمی بر درآمد ملی و ایجاد اشتغال دارد (Jasson and Govender 2017; Maksimov, Wang & Luo, 2017).

بهبود فضای کسب و کار از مهم‌ترین راهبردهای توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود، اما مطالعات در زمینه اکوسیستم‌های اختصاصی کسب و کار در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به انعطاف‌پذیری و توانایی بالای کسب و کارهای کوچک در به کارگیری فناوری‌های جدید، این شرکت‌ها می‌توانند سریع‌تر از بنگاه‌های بزرگ به تغییرات بازار واکنش نشان داده و با ارائه محصولات نوآورانه، موجب رشد اقتصادی و کاهش بیکاری شوند (Matlay, 2011). برای توسعه روستایی، سه رویکرد کلی در نظر گرفته شده است که شامل توسعه مکانی، توسعه اقتصادی و توسعه خلاقیت و استعدادهای فردی می‌شود. در این میان، تأکید بر شکل‌گیری "اقتصاد خلاق" بر پایه فرهنگ و هنر روستایی، می‌تواند به جای جذب صرف گردشگران، زمینه‌ساز مهاجرت معکوس و استقرار نیروی کار خلاق در مناطق روستایی شود (Ardhala et al., 2016). از آنجا که کسب و کارهای کوچک و متوسط بستر رشد ایده‌های کارآفرینی و دانش‌بنیان را فراهم می‌کنند، رابطه مستقیمی بین رونق این بنگاه‌ها و توسعه کارآفرینی وجود دارد (Olusegun, 2012). یکی از چالش‌های اساسی سیاست‌گذاران این حوزه، توانمندسازی شرکت‌های کوچک برای حفظ رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و بین‌المللی است (OECD, 2019). سب و کارهای کوچک و متوسط به دلیل توانایی در کاهش هزینه‌ها و نوآوری، نقشی کلیدی در تجارت جهانی ایفا کرده و به ستون فقرات تولید و توسعه اقتصادی تبدیل شده‌اند (Paul et al., 2017).

بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که فضای کسب و کار زنان روستایی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و برنامه‌ریزی برای توسعه آن نیازمند شناخت دقیق این ویژگی‌هاست (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، حمایت از صنایع خلاق و احیای صنایع دستی فراموش شده می‌تواند به رشد پایدار روستاها کمک کند (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که توسعه صنایع روستایی باعث افزایش درآمد، ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت زندگی جوامع روستایی می‌شود (بهرامی، ۱۳۹۹). در نتیجه، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، به ویژه در مناطق روستایی، نه تنها به کاهش فقر و بیکاری کمک می‌کند، بلکه عاملی کلیدی در مسیر توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کشورها محسوب می‌شود.

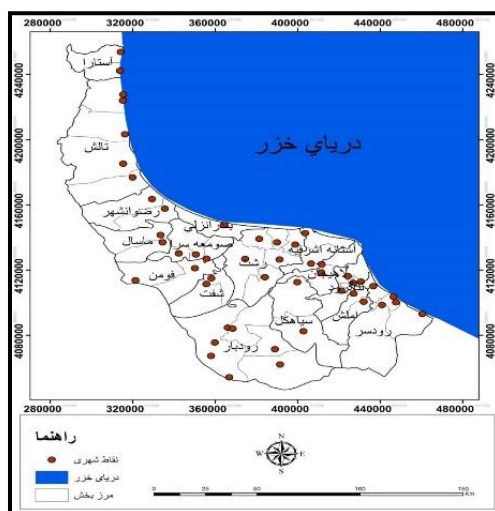
در ایران، بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) با تعاریف متنوعی از سوی نهادهای مختلف مواجه هستند. بر اساس تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت جهاد کشاورزی، این بنگاه‌ها شامل واحدهای صنعتی و خدماتی با کمتر از ۵۰ نیروی کار می‌شوند، در حالی که بانک مرکزی ایران آستانه کوچک و متوسط بودن را تا ۱۰۰ نفر گسترش می‌دهد (Farahani et al., 2017). این تنوع در تعاریف، خود نشان‌دهنده پیچیدگی ساختاری و تنوع عملکردی این بنگاه‌هاست که در مناطق روستایی، به ویژه در حوزه صنایع دستی، نقشی بنیادین در حفظ هویت فرهنگی و تولید ارزش اقتصادی ایفا می‌کنند. SME ها به دلیل ارتباط نزدیک با مشتریان، کارکنان و تأمین‌کنندگان، و سازگاری بیشتر با محیط طبیعی، به عنوان بنگاه‌های پایدار شناخته می‌شوند (Lowe et al., 2019).

چالش‌های مناطق روستایی و ضرورت توجه به صنایع دستی مناطق روستایی ایران، به‌ویژه استان گیلان، با وجود پتانسیل‌های فراوان در حوزه صنایع دستی، با چالش‌های متعددی مانند محدودیت فرصت‌های اقتصادی، رقابت ناعادلانه با محصولات صنعتی، و کاهش جذابیت اشتغال مواجه هستند (Nair and Whitelaw, 2008). استان گیلان با دارایی ۹۰ گونه از ۳۰۰ نوع صنعت دستی کشور، از جمله حصیر، گلیم، سفالگری، و خراطی، سالانه ۳۵ میلیارد تومان گردش مالی تولید می‌نماید (Hosseinnia and Shoja, 2017). با این حال، این صنایع با موانعی چون ناپایداری قیمت مواد اولیه، ضعف زیرساخت‌های تولیدی و بازاریابی، و کمبود حمایت‌های مالی-قانونی روبرو هستند که تهدیدی جدی بر بقای آنها و تحقق توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شوند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های تولیدی حوزه کسب‌وکارهای خرد صنایع دستی استان گیلان انجام شده است. این مقاله با تکیه بر چارچوب نظری توسعه پایدار، به بررسی مولفه‌هایی مانند حمایت نهادی، دسترسی به منابع، ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی، و چالش‌های زیرساختی می‌پردازد. یافته‌های آن می‌تواند به سیاست‌گذاران و ذینفعان کمک کند تا راهبردهای مؤثرتری برای توسعه پایدار روستایی از طریق صنایع دستی طراحی کنند.

مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

استان گیلان در شمال ایران بین سواحل جنوبی خزر و ارتفاعات البرز در جنوب محصور شده و حدود ۱۴ هزار کیلومترمربع مساحت دارد. این استان در محدوده جغرافیایی عرض شمالی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه و طول شرقی ۴۸ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه واقع شده است. از شمال به دریای خزر و کشور جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. استان گیلان به ۱۷ شهرستان به نام‌های آستارا، آستانه‌اشرفیه، املش، بندر انزلی، رشت، رضوانشهر، رودبار، رودسر، سیاهکل، شفت، صومعه‌سرا، طوالش، فومن، لاهیجان، لنگرود و ماسالو خمam به مرکزیت شهرستان رشت نامگذاری شده است. نقشه موقعیت شهرستانها و بخشهای استان گیلان در شکل (۱) ارائه شده است. جمعیت گیلان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، بر مبنای برخی از پارامترهای جمعیت شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. این استان مطابق آخرین سرشماری‌ها دارای ۲۵۳۰۶۹۶ نفر جمعیت می‌باشد که ۷۹۷۴۷۰ نفر آن را جمعیت شهری، ۹۲۷۶۶۰ نفر جمعیت روستایی و ۱۰ نفر جمعیت غیر ساکن، تشکیل می‌دهند. از مجموع ۲۲۳۳۹۵۷ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر، ۸۸۳۱۶۲ نفر جمعیت فعال، ۷۷۰۷۸۱ نفر شاغل و ۱۱۲۳۸۱ نفر بیکار بوده‌اند.



شکل (۱) موقعیت شهرستان‌ها و بخش‌های استان گیلان

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد توصیفی-تحلیلی است که با نمونه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر فعال در حوزه صنایع دستی و ۴۰ نفر از کارشناسان متخصص در این زمینه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، شاغلین و فعالین حوزه کسب و در زمینه صنایع دستی است. رویکرد پژوهش کمی و کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها پژوهش‌های میدانی و پرسشنامه است. جهت تعیین تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان، ۳۸۴ نفر معین شد که به منظور افزایش سطح اطمینان و کاهش خطا در داده‌ها، تعداد نمونه‌ها افزایش یافته است. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی است. به منظور ارزیابی روایی متغیرهای وابسته و مستقل بعد از بررسی مطالعات متعدد و شناسایی اولیه شاخص و نیز دریافت نظر کارشناسان از روایی عاملی استفاده شد. طبق برآورد صورت گرفته مقدار پایایی پرسشنامه ۰/۹۲۱ به دست آمده است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل شاخص‌ها از مدل تحلیل مسیر در نرم‌افزار SPSS ورژن ۲۶ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

وضعیت متغیرهای زمینه‌ای منطقه مورد مطالعه

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد، ۵۸ درصد پاسخگویان مرد و ۴۲ درصد زن بوده‌اند. همچنین به لحاظ ویژگی‌های سنی، ۲۵ درصد در گروه سنی ۲۰-۳۵ سال، ۶۲ درصد در گروه سنی ۳۶-۵۰ سال و ۱۲ درصد نیز در گروه سنی بالای ۵۰ سال بوده‌اند. وضعیت سواد و تحصیلات پاسخگویان بیانگر آن است که افراد بی سواد ۵ درصد و تحصیلات لیسانس با ۳۸ درصد، بیشترین تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۱) ویژگی‌های توصیفی (جنس، سن و تحصیلات) پاسخگویان

متغیرها	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۵۸
	زن	۴۲
	جمع	۱۰۰
سن	۲۰-۳۵ ساله	۲۵/۵
	۳۶-۵۰ ساله	۶۲/۵
	بالای ۵۰ سال	۱۲
	جمع	۱۰۰
تحصیلات	بی سواد	۵
	سیکل	۱۲/۵
	دیپلم و فوق دیپلم	۴۵
	لیسانس و بالاتر	۳۷/۵
	جمع	۱۰۰

منبع: محاسبات نگارنده ۱۴۰۱.

شناسایی رسته‌های کسب و کار زیرمجموعه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان و معرفی شهرستان‌های مرکز فعالیت

بمنظور شناسایی رسته‌های کسب و کار زیرمجموعه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان و معرفی شهرستان‌های مرکز فعالیت، از داده‌های رسمی و آماری ثبت شده سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که شامل افراد شاغل تحت حمایت این سازمان بودند، استفاده گردید. بدین منظور در ابتدا، لیستی از افراد شاغل در دو گروه مستقل و پشتیبان زیر مجموعه این سازمان در رسته‌های صنایع دستی فلزی، نقاشی روی شیشه، بافته‌های داری و غیرداری، صنایع دستی حصیری و چوبی، نساجی سنتی، کاشی سنتی، سفال و سرامیک، سازنده ساز سنتی، صنایع دستی چرمی، طراحی و نقاشی سنتی و چاپ‌های سنتی تهیه گردیده و با توجه به آمار موجود، پراکنش فعالیت‌های تحت حمایت در شهرستان‌های استان بر روی

نقشه مشخص گردید و سپس بصورت مصاحبه حضوری و غیرحضوری با آنان، به احصاء چالش‌ها، موانع و راهکارهای رسته فعالیتی از دیدگاه آنان پرداخته شد. این موارد عبارتند از:

جدول (۲) موانع، چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با صنایع دستی فلزی از دیدگاه فعالین مستقل و پشتیبان آن				
دستگاه	رشته فعالیت	سابقه فعالیت در رشته	بازار فروش محصول	وابستگی به سایر مشاغل
میراث فرهنگی	صنایع دستی	سابقه طولانی	داخل و خارج استان	-
موانع و چالش‌ها:				
۱- عدم انگیزه افراد برای ادامه کار به واسطه مشکلات و موانع موجود				
۲- مسائل و مشکلات مالی؛				
۳- گرانی مواد اولیه و عدم ثبات قیمتها به خصوص بعد از کرونا				
۴- فرآیند سخت گرفتن وام و مشکل معرفی ضامن؛				
۵- عدم حمایت کافی دولت از تولید کنندگان در این رشته؛				
۶- مشکل نیروی کار به دلیل عدم توانایی در حمایت مالی نیروها با وجود پتانسیل بالای این رشته جهت حضور در بازار و فروش مناسب				
۷- عدم انگیزه در جوانان جهت فعالیت در این رشته به دلیل مشکلات بیمه و درآمد و...				
۸- مشکل در تامین زغال سنگ مورد نیاز به عنوان مواد اولیه کار با وجود معادن فعال در استان				
۹- چالش در عدم مدیریت مناسب در زمینه قیمت گذاری اجرت‌ها				
۱۰- وجود مالیات سنگین به گونه ای که بعضی از افراد به فکر واگذاری مجوز فعالیتشان هستند؛				
۱۱- بروکراسی اداری و فرآیند طولانی اخذ مجوز؛				
۱۲- عدم وجود بیمه برای افراد؛				
۱۳- مشکل بازار فروش محصولات (با وجود اینکه در فضای مجازی هم عکس کارها گذاشته می شود ولی به علت گرانی محصول و هزینه بر بودن کار خریدار کم است).				
۱۴- عدم حمایت دولت از تولید کنندگان در این رشته و عدم توجه به کار افراد به خصوص افرادی که توان تولیدی بالایی دارند(به منظور صادرات)؛				
۱۵- عدم حمایت مناسب از فعالین این رشته در مباحث مربوط به بیمه مشاغل (در یک نمونه دیرکرد یک روزه در پرداخت حق بیمه موجب ابطال بیمه فرد گردیده)؛				
۱۶- عدم وجود قانون و صنف مشخص و حمایت کننده در مسائلی مانند رعایت عدم کپی طرح‌ها و...؛				
پتانسیل های منطقه برای مشاغل جدید:				
بیشتر رشته های صنایع دستی در استان قابلیت رشد دارند.				

منبع: محاسبات نگارنده ۱۴۰۱.

عمده فعالیت‌های مرتبط با صنایع دستی فلزی شامل قلمزنی، ساخت زیور آلات، ملیله سازی، حکاکی روی فلز می‌باشد که در جدول ذیل، عملکرد فعلی و اهمیت آنها به تفکیک هر شاخص ارزیابی شده است. گردآوری اطلاعات جهت بررسی عملکرد فعلی از فعالین مستقل و پشتیبان توسط ابزار پرسشنامه صورت پذیرفته و همچنین امتیازات مربوط به اهمیت هر کدام از شاخص‌های تعریف شده نیز توسط جمعی از خبرگان و کارشناسان متخصص، تعیین گردیده است.

تبیین عوامل مؤثر بر توسعه کانونهای کسب و کار در بخش میراث فرهنگی

به‌منظور تبیین روابط علی میان عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی، از مدل تحلیل مسیر استفاده شد. این روش امکان بررسی هم‌زمان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (توسعه کانون‌های کسب‌وکار) را فراهم می‌کند. نتایج نشان داد که ساختار مدل از برازش مناسبی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که ضریب همبستگی چندگانه ($R=0.86$) و ضریب تعیین تعدیل‌شده ($\text{Adjusted } R^2=0.78$) بیانگر توان بالای متغیرهای تبیینی در توضیح تغییرات توسعه کانون‌های کسب‌وکار هستند.

بطور خلاصه نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر نشان می دهد از میان متغیرهای مورد بحث، اقتصادی و تسهیلات و ثبات اقتصادی با اثر کلی ۰/۵ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۵۰ بیشترین تاثیر را بر روی توسعه کانون های کسب و کار در منطقه مورد مطالعه داشته است (جدول ۳).

علاوه بر تعداد اثرگذاری های مستقیم متغیرها، بسیاری از متغیرها به صورت غیرمستقیم بر این متغیر اثر می گذارند. بر فرض مثال امکانات روبنایی و زیربنایی در پشتیبانی سازمان های ذی ربط اثر می گذارد سپس بر تسهیلات اثر می گذارد. مصادق دیگری که می توان نام برد تشکیل صندوق های اعتباری که در امکانات زیربنایی و روبنایی اثر می گذارد و پس از آن در تسهیلات اثرگذار می باشد.

بر این اساس (با توجه به یافته های تحقیق) و به کمک ضریب تعیین (شدت تغییرات) محاسبه شده می توان میزان شدت تاثیر تغییرات متغیرهای مستقل بر هر یک از متغیرهای وابسته را مورد تحلیل قرار داد. بررسی یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون خطی بین متغیرهای تحقیق نشان می دهد فرضیه تحقیق با ۹۵٪ اطمینان (۵٪ خطا) مورد تایید قرار گرفت. با توجه به مقادیر بدست آمده، می توان نمودار تحلیل مسیر را به صورت زیر نمایش داد.

جدول (۳) تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر توسعه کانونهای کسب و کار در بخش میراث فرهنگی

ضریب تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب چندگانه همبستگی
۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۸۶

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۱

جدول (۴) نتایج مربوط به برآورد مدل عوامل موثر عوامل موثر بر توسعه کانونهای کسب و کار در بخش میراث فرهنگی

متغیر	B	Std. Error	Beta	t	Sig
توسعه کسب و کار	۰/۰۷۲	۰/۰۱۸	۰/۰۹۳	۴/۰۱	۰/۰۰۰
فرهنگ سازی	۰/۰۷۵	۰/۰۰۲	۰/۱	۳/۶۸	۰/۰۰۰
دسترسی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۱۳	۰/۰۰۰۱
ارائه خدمات	۰/۰۵۳	۰/۰۱۹	۰/۰۷۸	۲/۸	۰/۰۰۴
دوری و نزدیکی به مراکز برتر	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۵	-۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۰۰۳
جذب سرمایه گذار	۰/۱۷	۰/۰۲۶	۰/۰۲	۶/۶	۰/۰۰۰
تسهیلات	۰/۴۸	۰/۰۲۴	۰/۵	۲۰/۱۶	۰/۰۰۰
ثبات اقتصادی	۰/۱۷	۰/۰۱۹	۰/۲۴	۸/۸	۰/۰۰۰
تشکیل صندوق اعتباری	-۰/۰۶۷	۰/۰۱۹	۰/۰۸۱	-۳/۴	۰/۰۰۱
پشتیبانی و حمایت سازمانهای ذی ربط	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۲۶	۰/۹۷	۰/۰۰۳
ارائه خدمات مشاوره	-۰/۰۱۳	۰/۰۳۸	-۰/۰۷	-۲/۳۴	۰/۰۰۲
امکانات زیربنایی و روبنایی	۰/۰۴۹	۰/۰۱۴	-۰/۰۶	۳/۵۸	۰/۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۱

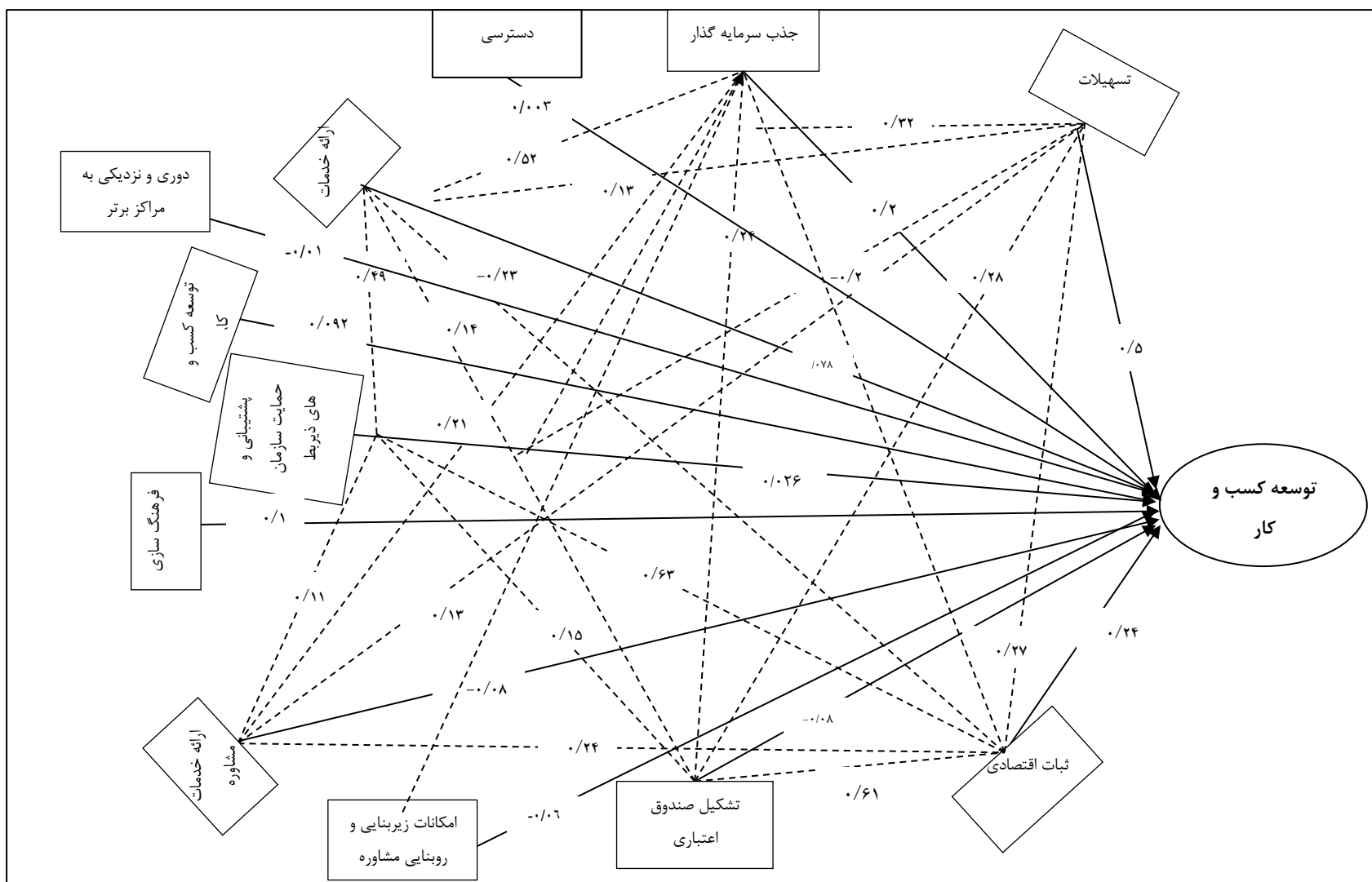
نتایج جدول (۴) نشان می دهد که تمامی متغیرهای وارد شده به مدل، اثر معناداری بر توسعه کانون های کسب و کار صنایع دستی دارند. ($p < 0.05$) در این میان، متغیر «تسهیلات مالی» با ضریب بتای استاندارد ($\beta = 0.50$) بیشترین اثر مستقیم را بر متغیر

وابسته داشته است. این یافته بیانگر آن است که دسترسی به منابع مالی و تسهیلات اعتباری، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در توسعه و تداوم فعالیت کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی در مناطق روستایی استان گیلان محسوب می‌شود. پس از تسهیلات، متغیر «ثبات اقتصادی ($\beta=0.24$)» در رتبه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده تأثیر قابل‌توجه شرایط کلان اقتصادی، از جمله نوسانات قیمت و هزینه‌های تولید، بر عملکرد این کسب‌وکارهاست. سایر عوامل نظیر جذب سرمایه‌گذار، فرهنگ‌سازی، توسعه کسب‌وکار و ارائه خدمات نیز اثرات مثبت و معناداری بر توسعه کانون‌ها داشته‌اند، اما شدت اثرگذاری آن‌ها در مقایسه با عوامل مالی و اقتصادی کمتر بوده است.

جدول (۵) خلاصه اثرات عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار

عامل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
تسهیلات مالی	بالا	متوسط	بسیار بالا
ثبات اقتصادی	متوسط	بالا	بالا
جذب سرمایه‌گذار	کم	متوسط	متوسط
امکانات زیربنایی و روبنایی	کم	متوسط	متوسط
پشتیبانی نهادی	کم	کم	کم تا متوسط
فرهنگ‌سازی	کم	کم	کم

مطابق با جدول فوق، بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرها نشان می‌دهد که برخی عوامل، اگرچه اثر مستقیم محدودی بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار دارند، اما از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای کلیدی‌تر مانند تسهیلات مالی و جذب سرمایه‌گذار، نقش مهمی در شکل‌گیری فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. این یافته بیانگر ماهیت زنجیره‌ای و چندسطحی عوامل مؤثر بر توسعه صنایع دستی در مناطق روستایی است.



نمودار (۱) اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته توسعه کانون های کسب و کار (* اثرات مستقیم (خطوط ممتد) و اثرات غیرمستقیم (خطوط منقطع) متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته توسعه کانون های کسب و کار)

نمودار تحلیل مسیر (نمودار ۱)، ساختار روابط علی میان عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی را به صورت یک الگوی یکپارچه نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، متغیر «تسهیلات مالی» نقش متغیر کانونی را ایفا می‌نماید و بیشترین اثر مستقیم را بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار دارد.

در این ساختار، متغیرهایی مانند «ثبات اقتصادی» و «جذب سرمایه‌گذار» به عنوان متغیرهای میانی عمل می‌کنند و اثر عوامل زیرساختی، نهادی و فرهنگی را به توسعه کانون‌ها منتقل می‌نمایند. به بیان دیگر، عواملی نظیر «امکانات زیربنایی و روبنایی»، «پشتیبانی و حمایت سازمان‌های ذی‌ربط» و «فرهنگ‌سازی» اگرچه اثر مستقیم محدودی دارند، اما از طریق تقویت شرایط اقتصادی و بهبود دسترسی به منابع مالی، نقش غیرمستقیم مهمی در توسعه این کانون‌ها ایفا می‌کنند. این الگو نشان می‌دهد که توسعه کسب‌وکارهای صنایع دستی در مناطق روستایی، فرآیندی چندسطحی و زنجیره‌ای است که در آن، سیاست‌های مالی و ثبات اقتصادی پیش شرط اثربخشی سایر مداخلات نهادی و فرهنگی محسوب می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی در مناطق روستایی استان گیلان، بیش از هر چیز تحت تأثیر عوامل مالی و اقتصادی قرار دارد. نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن است که «تسهیلات مالی» به عنوان مهم‌ترین عامل، بیشترین اثر مستقیم را بر توسعه این کانون‌ها دارد و سایر متغیرها عمدتاً از طریق تأثیرگذاری بر این عامل نقش خود را ایفا می‌کنند. این نتیجه بیانگر آن است که در بسترهای روستایی، محدودیت دسترسی به منابع مالی همچنان مهم‌ترین مانع رشد و پایداری کسب‌وکارهای خرد و صنایع دستی محسوب می‌شود.

برتری نقش تسهیلات مالی و ثبات اقتصادی با نتایج مطالعاتی همچون بهرامی (۱۳۹۹) و Divandari et al. (۲۰۱۷) همخوانی دارد که بر اهمیت حمایت‌های مالی در توسعه صنایع دستی و صنایع روستایی تأکید کرده‌اند. در عین حال، مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعه Al-Boushi and Begum (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که اگرچه در برخی زمینه‌ها بر توانمندی‌های مدیریتی و راهبردهای رشد بنگاه‌ها تأکید شده است، اما در شرایط مناطق روستایی ایران، اثربخشی این توانمندی‌ها بدون فراهم بودن حداقل‌های اقتصادی و ثبات مالی، با محدودیت‌های جدی مواجه است. به عبارت دیگر، توانمندی‌های مدیریتی و کارآفرینانه زمانی می‌توانند به توسعه پایدار منجر شوند که در بستری از ثبات اقتصادی و دسترسی به منابع مالی قرار گیرند.

از سوی دیگر، متغیرهایی نظیر فرهنگ‌سازی، پشتیبانی و حمایت سازمان‌های ذی‌ربط و امکانات زیربنایی و روبنایی، اگرچه اثر مستقیم کمتری بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار دارند، اما به صورت غیرمستقیم و از طریق بهبود شرایط اقتصادی، جذب سرمایه‌گذار و تسهیل دسترسی به تسهیلات مالی، نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. این یافته با دیدگاه López (2016) و Ortega et al. (2019) و Lowe et al. (2019) همخوان است که توسعه کسب‌وکارهای خرد را فرآیندی شبکه‌ای و چندسطحی می‌دانند و نقش عوامل نهادی و زیرساختی را در تسهیل این فرآیند برجسته می‌کنند.

برآیند نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه صنایع دستی در مناطق روستایی را نمی‌توان صرفاً با مداخلات فرهنگی، آموزشی یا تبلیغاتی محقق ساخت، بلکه این اقدامات زمانی اثربخش خواهند بود که در چارچوب یک سیاست اقتصادی پایدار و نظام مالی حمایتی تعریف شوند. تمرکز بر ایجاد سازوکارهای پایدار تأمین مالی، تشکیل صندوق‌های اعتباری محلی، کاهش نوسانات اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های نهادی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه بلندمدت کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی و بهبود معیشت روستاییان شود؛ موضوعی که با رویکردهای توسعه مبتنی بر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیز همخوانی دارد (OECD, 2019).

در نهایت، این پژوهش با تأکید بر نقش پیشران‌های مالی و اقتصادی، به ادبیات توسعه روستایی و اقتصاد خلاق می‌افزاید و نشان می‌دهد که توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی حاصل تعامل چندسطحی میان عوامل اقتصادی، نهادی و فرهنگی است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، تفاوت‌های مکانی، نوع رسته‌های صنایع دستی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی بهره‌برداران در تحلیل الگوهای توسعه مورد توجه قرار گیرد تا زمینه برای سیاست‌گذاری‌های هدفمندتر و کارآمدتر فراهم شود.

منابع

۱. ابریشمی، حمید؛ بیدرام، رسول؛ ماجد، وحید؛ بخشایش، الهام (۱۳۹۸). امکان سنجی توسعه پایدار روستایی از طریق توسعه صنایع خلاق: نمونه موردی صنایع دستی روستاهای منتخب استان اصفهان. *روستا و توسعه*، ۲۲ (۴)، ۵۱-۶۹.
۲. بهرامی، رحمت (۱۳۹۹). اثرات اقتصادی-اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنندج. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴ (۷۲)، ۸۱-۱۰۳.
۳. رضائی، روح اله و نجفی، بهمن (۱۳۹۴). موانع راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارهای خانگی در مناطق روستایی شهرستان ارومیه. *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۸ (۳)، ۴۳۳-۴۵۱.
۴. طهماسبی، مریم؛ خسروی پور، بهمن؛ برادران، مسعود؛ غنیان، منصور (۱۳۹۹). مؤلفه‌های برساننده فضای کسب و کارهای خرد زنان روستایی؛ مورد مطالعه استان‌های گیلان و مازندران. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۵۱ (۴)، ۷۳۱-۷۴۴.
۵. قاسمی، مریم؛ جوان، جعفر (۱۳۹۳). تبیین رابطه تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی و توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان مشهد. *پژوهش‌های روستایی*، ۵ (۲)، ۲۶۲-۲۳۷.
۶. نجفیان نجف آبادی، مریم (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی صنایع خلاق در ایران با رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی دانشگاه هنر اصفهان.
7. Al Amri, S., A. Neelufer and B. Christina (2014). "Challenges and barriers encountered by the SMEs owners in Muscat." *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research* 2(3): 1-13.
8. Al Bulushi, B. H. S. and S. Bagum (2017). "Growth strategies of sme in Oman-Issues and challenges." *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research* 5(2): 21-61.
9. Ardhal, A. D., E. B. Santoso and H. Sulistyarso (2016). "Influence factors on the development of creative industry as tourism destination (Case Study: Footwear Village in Mojokerto City)." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 227: 671-679.
10. Black, R. and P. B. Cobbinah (2018). "Local attitudes towards tourism and conservation in rural Botswana and Rwanda." *Journal of Ecotourism* 17(1): 79-105.
11. Divandari, J., A. Danaeinia and P. Izadi (2017). "Analysis of the role of handicraft production in rural sustainable development: a case of Sar Aqa Seyyed, Chaharmahal and Bakhtiari." *Journal of History Culture and Art Research* 6(1): 549-565.
12. Evans, N., M. Lasen and K. Tsey (2015). "A systematic review of rural development research: Characteristics, design quality and engagement with sustainability".
13. Farahani, H. Hossienzadeh, A. Sohraby, N. (2017). The role of agro industries in the economic stability of rural. *Rural Economy Research*. 3(7): 1-10.
14. Hallbäck, J. and P. Gabrielsson (2013). "Entrepreneurial marketing strategies during the growth of international new ventures originating in small and open economies." *International Business Review* 22(6): 1008-1020.
15. Hosseinnia, E. and B. Shoja (2017). "The role of handicrafts in the sustainable development of rural tourism with an emphasis on indigenous knowledge." *International Journal of Geography and Geology* 6(1): 1-7.
16. Maksimov, V., Wang, S. L., & Luo, Y. (2017). Reducing poverty in the least developed countries: The role of small and medium enterprises. *Journal of World Business*, 52(2), 244-257.
17. Jasson, C. C. and C. M. Govender (2017). "Measuring return on investment and risk in training-A business training evaluation model for managers and leaders." *Acta Commercii* 17(1): 1-9.
18. López-Ortega, E., D. Canales-Sanchez, T. Bautista-Godinez and S. Macias-Herrera (2016). "Classification of micro, small and medium enterprises (M-SME) based on their available levels of knowledge." *Technovation* 47: 59-69.
19. Lowe, P., J. Phillipson, A. Proctor and M. Gkartzios (2019). "Expertise in rural development: A conceptual and empirical analysis." *World Development* 116: 28-37.
20. Maksimov, V., S. L. Wang and Y. Luo (2017). "Reducing poverty in the least developed countries: The role of small and medium enterprises." *Journal of World Business* 52(2): 244-257.
21. Matlay, H. (2011). "The influence of stakeholders on developing enterprising graduates in UK HEIs." *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*.
22. Lowe, P., Phillipson, J., Proctor, A., & Gkartzios, M. (2019). Expertise in rural development: A conceptual and empirical analysis. *World Development*, 116, 28-37.
23. Nair, V. and P. A. Whitelaw (2008). "Hospitality & Tourism Vocation: Program Selection in a Private Institution of Higher Learning in Malaysia." *Journal of Hospitality & Tourism Education* 20(3): 30-34.
24. Olusegun, A. I. (2012). "Is small and medium enterprises (SMEs) an entrepreneurship?" *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences* 2(1): 487.

25. Paul, J., S. Parthasarathy and P. Gupta (2017). "Exporting challenges of SMEs: A review and future research agenda." *Journal of world business* **52**(3): 327-342.
26. OECD (2019). *SMEs and rural development*. OECD Publishing, Paris
27. López-Ortega, E., Canales-Sanchez, D., Bautista-Godinez, T., & Macias-Herrera, S. (2016). Classification of micro, small and medium enterprises based on their available levels of knowledge. *Technovation*, 47, 59–69.
28. Shucksmith, M. and D. L. Brown (2016). *Framing rural studies in the global north*. Routledge international handbook of rural studies, Routledge: 1-26.
29. Skibiński, A. and M. Sipa (2015). "Sources of innovation of small businesses: Polish perspective." *Procedia Economics and Finance* **27**: 429-437.
30. Stenholm, P., Z. J. Acs and R. Wuebker (2013). "Exploring country-level institutional arrangements on the rate and type of entrepreneurial activity." *Journal of business venturing* **28**(1): 176-193.
31. Stolarick, K., J. Lobo and D. Strumsky (2011). "Are creative metropolitan areas also entrepreneurial?" *Regional Science Policy & Practice* **3**(3): 271-286.
32. Vasilchenko, E. and S. Morrish (2011). "The role of entrepreneurial networks in the exploration and exploitation of internationalization opportunities by information and communication technology firms." *Journal of International Marketing* **19**(4): 88-105.